فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و پنجم. پاییز ۱۳۹۷، صص۹۵-۸۷ Vol 3. No 25. 2018, p 87-95
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

آموزش خواندن

فاطمه برمکی[۱]. محسن آیتی[۲]
۱. آموزش و پرورش
fatemeh.barmaki1391@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه بیرجند، دانشکده روانشناسی، بیرجند. ایران
mayati@birjand.ac.ir

چکیده

خواندن اصلی‌ترین ابزار آموزش است. پرورش و تقویت مهارت خواندن موجب پرورش و به کار انداختن همه قوای فکری و ذهنی " یعنی" قوه تمیز، استدلال، تعمیم، تجربه، حکم و قضاوت می گردد، که هرکدام در نگارش و آفرینش آثار ادبی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. کسب مهارت خواندن و تقویت پرورش آن مساوی با گشوده شدن دروازه کتاب به‌سوی آدمی و به دنبال آن کشف جهان، و ماورای جهان، پرورش نیروی فکر و خلاقیت و شناخت و شناخت اسرار جهان آفرینش است (سنگری، علیزاده، ۱۳۸۷). تعلیم و تربیت دوره پیش از دبستان و آموزش رسمی در زمان ما اهمیت زیادی یافته و پژوهش های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است تا به ارتقا یادگیری و آموزش خواندن و درک مطلب کمک کند. پژوهش حاضر به نظریه‌ها و روش‌های آموزش خواندن در دوره ابتدایی می‌پردازد. ماهیت این نظریات و ضد و نقیض بودن آنها مساله پیچیده تر و ریشه دارتری را درباره خواندن، ماهیت و نقش آن مطرح می‌کند. در این تحقیق از روش کتاب خانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: مهارت خواندن، آموزش خواندن، نظریه‌ها در آموزش خواندن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقدمه

خواندن یکی از عمده‌ترین روش‌های کسب معلومات و دانش به‌حساب می‌آید .هر فردی در اجتماع مجبور است مقدار زیادی نوشته را بخواند. به همین دلیل در اکثر جوامع، سواد خواندن و نوشتن کلید موفقیت آموزشی است و بچه‌هایی که در خواندن ضعیف هستند گروهی بسیار آسیب‌پذیر در یادگیری دروس مختلف در تمامی سال‌های تحصیلی و بعدازآن هستند که موجب می‌شود پیشرفت‌های ناچیزی در امر تحصیل داشته باشند (میوگان، ۲۰۰۹).

خواندن مهارتی اساسی است که به‌طور فزاینده‌ای در هر عرصه از زندگی ازجمله برای شرکت فعال در جامعه، آگاهی از حقوق شهروندی و ورود و پیشرفت در بازار کار مورد نیاز است (انجمن اروپایی **EACEA**). مهارت سوادآموزی خوب، اساس کلی برای موفقیت تحصیلی یک کودک است (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۲۶). دانش‌آموز با ذهن خالی و فکر تهی قادر به نگارش نخواهد بود. خواندن کتاب به‌منزله فراهم آوردن غذای فکری برای نوشتن است دانش آموزان بامطالعه کتاب و آثار خواندنی دیگر می‌تواند، با الگو گرفتن از نویسندگان در نگارش مهارت پیدا کند. فردی خوب می‌نویسد که دارای اندیشه‌ای ورزیده و توانا باشد و کسی اندیشه توانا دارد که خوب خوانده و ظرف اندیشه‌اش لبریز از آگاهی‌های فکری باشد. دانش آموزان با خواندن آثار ادبی هنری، زندگی و ابعاد آن را بهتر درک می‌کنند و افق دیدشان گسترش می‌یابد، درنتیجه با دست‌پر و فکر وسیع می‌نویسد (سنگری و علیزاده، ۱۳۸۷).

خواندن فعالیت هدفمندی است که مستلزم تنظیم فعالیت‌های شناختی گسترده برای رمزگشایی، ساده اشاره دارد که به‌سوی الگوهای پیچیده خواندن که مستلزم مؤلفه‌های تعاملی و جبرانی برای معنی‌دار ساختن متن است پیشرفت می‌کنند (کیل، ۱۹۸۴؛ به نقل از کاکیا، ۱۳۸۸).

آموزش خواندن در دوران اولیه کودکی موردتوجه و علاقه طیف وسیعی از متصدیان تعلیم و تربیت، روان شناسان؛ فلاسفه و دانشمندان فیزیولوژی، بیولوژی و سرانجام بسیاری از زنان و مردان حرفه‌های گوناگون بوده است (مفیدی، ۱۳۷۲). به‌طورکلی می‌توان گفت: خواندن کتاب و مواد خواندنی برابر است با دست‌یابی به اهداف زیر که در امر نوشتن نیز دانش آموزان را یاری می‌دهند (سنگری و علیزاده، ۱۳۸۷).

ـ افزایش مهارت زبانی به‌ویژه مهارت گفتن و نوشتن از طریق ازدیاد ذخایر واژگان و آشنایی با مفاهیم.

ـ ارتقا و اصلاح کیفیت نگرش‌ها و باورهای دانش‌آموز.

ـ به سازی ذهنیت دانش آموزان در جهت تقویت اندیشه و اعتلای فرهنگی ایشان.

ـ انتقال تمدن، دانش و فرهنگ.

ـ دانش‌افزایی و ایجاد برای تحقیق.

ـ پر کردن اوقات فراغت به‌وسیله یک سرگرمی سالم و آموزنده.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

برای این‌که کودکان معنی خواندنی‌ها را دریابند نیاز به تجربه در رابطه با مفاهیم خواندنی دارند بسیاری از کودکان از با پیشینه تجربی بسیار غنی به برنامه‌های آموزش اولیه راه می‌یابند، زیرا والدینشان برای آن‌ها کتاب‌های زیادی خوانده‌اند آن‌ها را به گردش و مسافرت و مشاهده طبیعت و محیط پیرامون، دیدار دوستان و آشنایان و غیره برده‌اند (سیفلد و باربور، ۱۹۸۶).

به‌طورکلی توالی مراحلی که یک کودک به‌طور طبیعی در اکتساب مهارت‌های خواندن طی می‌کند شامل موارد زیر است (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۱):

توسعه آمادگی خواندن: این مرحله با تولد شروع و تا مراحل آغازین خواندن ادامه می‌یابد و شامل توسعه مهارت‌های زبانی، حرکتی، شنوایی و بینایی، تحول مفهوم تفکر شناختی و توانایی دقت و تمرکز حواس در انجام فعالیت‌هاست.

نخستین مرحله فراگیری خواندن: این مرحله شروع برنامه رسمی خواندن است و به‌طور رسمی خواندن است و به‌طور مرسوم در سال اول دبستان به وقوع می‌پیوندد.

توسعه مهارت‌های خواندن: این مرحله معمولاً در کلاس دوم و سوم انجام می‌گیرد و درواقع ادامه پالایش و توسعه مرحله قبلی است. کودک به‌طور عادی در خواندن پیش می‌رود و مهارت‌هایش را در فنون و شناخت کلمه به‌سرعت، توسعه می‌بخشد.

خواندن گسترده: برنامه‌های آخر دوره ابتدایی و اوایل راهنمایی تکیه بر خواندن وسیع و مداوم و غنی‌سازی تجارب و خواندن نوجوان می‌کند. در این مرحله مهارت‌های اساسی فراگیران ابتدایی تکمیل و تقویت می‌شود.

پالایش خواندن: مدارس به این نکته واقف‌اند که توسعه خواندن حتی در مورد فراگیرانی که مشکل ویژه‌ای در خواندن ندارند تا پایان دوره ابتدایی تکمیل نمی‌شود. ازاین‌رو در طول دوره راهنمایی و متوسطه و حتی در دوره دانشگاه و سالمندی هم فرد هنوز مهارت‌های متعالی خود را در خواندن بهبود می‌بخشد.

سه نوع الگوی مشخص نیز برای درک خواندن وجود دارد.

۱) الگوی وابسته به متن (داده محور)

واژه‌ها همان‌گونه که در فرهنگ لغات و در تداعی با سایر واژه‌ها و فکرها قابل‌تعیین است، معانی خاصی دارند. برای یادگیری هر متن خوانده‌شده صرفاً باید معانی واژه‌ها (و تداعی آن‌ها) را مشخص ساخت و آن‌ها را در نظم مناسبی که جمله تعیین می‌کند قرارداد. بر اساس این دیدگاه ابتدایی، درک خواندن اساساً رمزگشایی است.

الگوهای درک خواندن که بر رمزگشایی و رشته کردن معانی واژه‌ها تأکیددارند، الگوهای داده محورند. یکی از الگوهای داده محور که خوب طراحی‌شده است الگوی گوف (۱۹۷۳) است. در الگوی گوف، خواندن با مکث چشم آغاز می‌شود. چشم با حرکت جهشی روی متن به جلو و عقب می‌رود که این موضوع منجر به شکل‌گیری یک لغت می‌شود. چندان از محققان که گوف هم جزو آن‌هاست، از وسایل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

پیچیده‌ی ثبت حرکت چشم استفاده کردند تا حرکات چشم خوانندگان را درحالی‌که صفحه‌ای چاپی را می‌خوانند ثبت کنند. معمولاً حرکات چشم خوانندگان شامل رشته‌ای از توقف‌ها و شروع‌هاست. چشم‌ها بر یک نقطه از متن متمرکز یا ثابت می‌شود و سپس به نقطه‌ی دیگر حرکت می‌کند (این حرکت را تثبیت می‌نامند.) در زمان تثبیت، دید خواننده فقط محدود به چند حرف است. چشم در زمان جهش اساساً کور است.

گوف نتایج مطالعات حرکات چشم را مبنای الگوی خود قرارداد. به نظر او، خوانندگان «حرف‌به‌حرف و واژه به واژه در خواندن جمله پیش می‌روند» (۱۹۷۳). فرایند خواندن با تثبیت چشم بر اولین بخش متن شروع و به دنبال آن‌یک جهش و یک تثبیت دوم انجام می‌گیرد و هم چنان تا پایان متن ادامه می‌یابد. گوف معتقد بود که هر تثبیت ۱۵ تا ۲۰ حرف را به انبار دیداری منتقل می‌سازد. وقتی اطلاعات در انبار دیداری قرار گرفت فرایندهای تطبیق آغاز می‌گردد و یک حرف یک حرف، از راست به چپ (در فارسی) جلو می‌رود. گوف تخمین زد که تشخیص هر حرف حدود ۱۰ تا ۲۰ هزارم ثانیه طول می‌کشد. علاوه بر این، گوف فرض کرد که اطلاعات حدود ۰/۲۵ ثانیه در انبار دیداری باقی می‌ماند و خوانندگان می‌توانند در هر ثانیه سه بار عمل تثبیت را انجام دهند. گوف بر اساس این فرضیات تخمین زد که خواندن با سرعتی برابر با ۳۰۰ واژه در هر دقیقه امکان‌پذیر است (گوف، ۱۹۸۸).

۲) الگوهای مفهوم محور :

الگوهای درک خواندن مفهوم محور تأکید خود را بر دانش قبلی می‌گذارند، به این معنی که انتظارات خوانندگان از متن و دانش قبلی ایشان درباره‌ی موضوع، تعیین‌کننده‌ی فرایند درک است. در این دیدگاه، خوانندگان از نمادهای مکتوب روی صفحه برای ساختن معنا استفاده می‌کنند.

همان‌طور که هیچ‌یک از الگوهای درک، سراسر داده محور نیست، هیچ الگویی نیز کاملاً نزولی نیست. آشکار است که باید بین آنچه مقصود نویسنده بوده است (معنایی که نویسنده، با به‌کارگیری واژه‌های روی صفحه، قصد انتقال آن را داشته است) و معنایی که خواننده ساخته است ارتباطی وجود داشته باشد. البته، الگوها ازنظر تأکید متفاوت‌اند. یکی از الگوهایی که بر پردازش مفهوم محور تأکید فراوان دارد الگوی گودمن است. برعکس الگوی گوف که بر تحلیل حرکات چشم در حین خواندن استوار است، الگوی گودمن بر مشاهده‌ی اشتباهات کودکان به هنگام خواندن شفاهی استوار است. تحقیقات اصلی گودمن در موقعیت‌های طبیعی (مانند کلاس درس) انجام گرفت که در آن از کودکان خواستند داستان‌هایی را با صدای بلند بخوانند. گودمن داستان‌هایی را انتخاب کرد که تا حدی برای کودکان دشوار بود و همچنان که آن‌ها می‌خواندند به آن‌ها گوش داد. تحلیل گودمن از نوع اشتباهاتی که کودکان مرتکب می‌شدند، نشان داد که فرایندهایی بر خواندن حاکم است که باعث می‌شود خوانندگان محتوای متن‌های بعدی را پیش‌بینی کنند. علاوه بر این، گودمن معتقد بود همچنان که خوانندگان در خواندن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

داستان پیش می‌روند از متن همچون وسیله‌ای برای تائید درستی یا نادرستی پیش‌بینی‌های خود استفاده می‌کنند.

الگوی خواندن گودمن مدعی رشته‌ای از گام‌های ثابت نیست، بلکه گودمن معتقد است که هم‌زمان و به‌طور تعاملی چهار دوره‌ی پردازش انجام می‌گیرد. به بیان گودمن، این چهار دوره‌ی پردازش عبارت‌اند از نوری (دریافت دروندادهای دیداری)، ادراکی (تشخص حروف و واژه)، نحوی (تشخیص ساختار متن) و معنایی (که در آن برای درونداد معنا ساخته می‌شود). هم‌زمان با وقتی‌که خواننده فرآیند خواندن را آغاز می‌کند معنایی برای متن ساخته می‌شود. این معنا نوعی پیش‌بینی است که بر اساس آن درباره‌ی داده‌های آینده داوری می‌شود. اگر پیش‌بینی خواننده تأیید شود، خواندن ادامه می‌یابد و اطلاعات جدید معنای ساخته‌شده را تقویت می‌کند. اگر پیش‌بینی خواننده نادرست باشد، خواننده ممکن است سرعت خود را بکاهد، مجدداً بخواند یا برای ساختن معنایی درست‌تر در جست‌وجوی اطلاعات اضافی برآید.

الگوی گودمن چنین القا می‌کند که اشتباه یا برداشت غلط از نشانه‌ها در خواندن امری نسبتاً معمول است. اشتباه نتیجه‌ی خواندن ضعیف نیست، بلکه ناشی از همان فرایند خوب خواندن است.

۳) الگوی تعاملی خواندن :

اشکال الگوهای داده محور درک خواندن نارسایی آن‌ها در سنجش تأثیر دانش خوانندگان است. طرفداران الگوهای مفهوم محور مستقیماً به تأثیر دانش توجه دارند، ولی گرایش آن‌ها به‌سوی بی‌ارزش دانستن فرایندهای داده محور در درک خواندن است. به دلیل کاستی‌های الگوهای داده محور و مفهوم محور، چندین الگوی دیگر که در آن‌ها فرایندهای داده محور و مفهوم محور در تعامل‌اند، پیشنهادشده است. یکی از الگوهای تعاملی که باعث تحقیقات و علایق کاربردی چشمگیری شده است الگوی جاست و کارپنتر (۱۹۸۷) است. الگوی جاست و کارپنتر : همانند الگوی داده محور گوف، الگوی تعاملی جاست و کارپنتر برای درک خواندن نیز بر حرکات چشم استوار است. البته، برخلاف گوف، جاست و کارپنتر مجموعه‌ای از فرایندهای بسیار تعاملی را پیشنهاد می‌کنند که بر اساس آن مواد محرک (متن) و پایگاه دانشی (خواننده) با یکدیگر تعامل می‌کنند تا به معنایی ساخته‌شده بینجامد.

جاست و کارپنتر فرایندهایی را در سطح تطبیق الگو، حافظه‌ی کاری و حافظه‌ی درازمدت پیشنهاد کرده‌اند. این فرآیندها به‌صورت متوالی نیستند. بلکه با یکدیگر تعامل دارند. درک خواندن از اولین تثبیت که محرک دیداری وارد انبار دیداری می‌گردد، شروع می‌شود. برخلاف گوف که مدعی تعداد ثابتی از حروف در انبار دیداری بود، به نظر جاست و کارپنتر مقدار درونداد به چندین تفاوت فردی-توانایی خواندن، اطلاع از حوزه‌ی مطالعه و هدف خواننده بستگی دارد.

وقتی درونداد دیداری به انبار دیداری رسید، گام بعدی استخراج مشخصات ظاهری واژه‌هاست. این فرایند بیشتر برداده استوار است، ولی بادانش خواندن و زمینه‌ی تعامل دارد. برای مثال : حرف ت در تب و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

در تاب و ت خواننده می‌شود، آنگاه معنا نسبت داده می‌شود. گرچه ممکن است پیش‌بینی معنا از قبل انجام گیرد و استخراج مشخصات ظاهری را نیز هدایت کند. برای مثال اغلب افراد وقتی با این جمله روبرو می‌شوند که سارا سیب سرخ را خـ مهرد، به‌جای حروف ناخوانا خورد می‌خوانند. به‌هرحال، وقتی همین شکل ناخوانا در جمله‌ی زیر ظاهر شود که زد و خـ مورد اجتناب‌ناپذیر بود، معنای متفاوتی استخراج می‌گردد. زمینه‌ی واژه‌ها ما را به استخراج مشخصات ظاهری آن‌ها راهنمایی می‌کند. البته اسناد معنا به یک واژه بستگی به استخراج مشخصات ظاهری آن واژه، حافظه‌ی درازمدت خواننده برای واژه‌ها و حافظه‌ی خواننده درباره‌ی معانی ساخته‌شده برای متن موجود دارد. برخلاف برخی دیگر از الگوهای تعاملی، جاست و کارپنتر مدعی‌اند که خواننده تقریباً هر یک از واژه‌های متن را می‌خواند و دائماً معنای واژه‌های جدید را بامعنای ساخته‌شده‌ای که در حافظه‌ی خویش دارد ترکیب و یکپارچه می‌کند. اگر جمله کامل شده باشد، خواننده معنای جمله را در ساخت کلی معنا درون سازی می‌کند.

الگوی جاست و کارپنتر توازنی بین فرایندهای داده محور و مفهوم محور پدید می‌آورد. در الگوی آن‌ها نیز، مانند الگوی گوف، مجموعه‌ای از فرایندهای نسبتاً خودکار بر اساس درونداد توصیف‌شده است. البته، هر یک از این فرایندها بامعنای ساخته‌شده و دانش عمومی خواننده تعامل دارد. الگوی جاست و کارپنتر، همانند الگوی گودمن بر پیش‌بینی تأکید دارد. ولی این پیش‌بینی تحت تأثیر مداوم تصمیماتی است که بر اساس تعامل درونداد و دانش خواندن اتخاذ می‌گردد (سنگری و علیزاده، ۱۳۸۴)

با توجه به این که همیشه دانش آموزانی با مشکل خواندن مواجه بوده اند این تحقیق در صدد بررسی برای یافتن روش‌های مناسب برای آموزش خواندن و تقویت مهارت خوانداری در دانش‌آموزان ابتدایی بوده است. به عبارت دیگر تلاش شده‌است به این سوال پاسخ داده شود که چگونه می توان مهارت خواندن را در فراگیران تقویت کرد؟

روش

روش تحقیق در پژوهش حاضر با توجه به نحوه گردآوری اطلاعات از نوع کتاب خانه‌ای می‌باشد.

یافته ها

طراحی الگوهای خواندن، از الگوی گوف گرفته تا نظریه معامله، نشان‌دهنده تکاملی مهم و درکی بهتر از فرایند خواندن است. الگوی گوف توضیحاتی هرچند خام در مورد حرکات چشم در فرایند خواندن بر اهمیت مطالعه حرکات چشم به هنگام مطالعه تا کید فراوانی دارد.

پیر (۱۹۹۲) اصطلاح سواد خواندن را با تمایز بین "قادر به خواندن بودن" و "خواننده بودن" تعریف می‌کند. در یک زمینه دانش آموزان مهارت در سواد خواندن را آموخته‌اند و بر خواندن مسلط هستند و در دیگری خواندن برای یادگیری و مطالعه صورت می‌گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

با توجه به نکات ذکرشده معلمان باید مهارت اولیه کودکان را درزمینهٔ خواندن ارزیابی کرده و بر این اساس آنان را به‌ضرورت تقویت سواد خواندن آگاه نمایند. بنابراین الگوهای تدریس و ارزشیابی در مدارس ابتدایی، خصوصاً در درس فارسی باید مبتنی بر درک مطلب باشد.

شورای نتیجه‌گیری از ۱۲ مه ۲۰۰۹ در یک چارچوب استراتژیک برای همکاری اروپا در آموزش‌وپرورش و آموزش مطالعه عناصر کلیدی را برای موفقیت در آموزش خواندن مشخص می‌کند. طیف گسترده‌ای از مهارت‌های خواندن از قبیل خواندن دیجیتالی برای تکامل شخصیتی و اجتماعی فرد دارای اهمیت است.

با توجه به این تحقیق می‌توان از رایانه در افزایش سواد خواندن کودکان استفاده کرد؛ مثلاً در هر هفته حداقل یک‌بار دانش آموزان مشق خود را تایپ کرده و آن را تحویل معلم دهند؛ مربی نیز حداقل هفته‌ای یک‌بار در سامانه رایانه‌ای مدرسه، از بچه‌ها بخواهد به‌جای آن‌که املا را روی کاغذ بنویسند، در رایانه تایپ کنند. حتی می‌توان از دانش آموزان خواست دیوارنوشته‌ها را از خانه تا مدرسه پیگیری و آن را در کلاس بازخوانی کنند یا تیتر روزنامه‌های مختلف را جمع‌آوری کرده و در کلاس بخوانند.

گفتگو و بحث بادانش آموزان، رفتن به کتابخانه مدرسه، خواندن قصه یا مجله برای کودکان با توجه به شاخص‌های درک مطلب، از دیگر مهارت‌ها جهت تقویت خواندن هست .افزودن یک نشست آموزش خانواده تحت عنوان تقویت مهارت خواندن و درک مطلب، اختصاص یک روز به‌منظور هدیه کتاب از سویِ مدرسه به دانش آموزان علاقه‌مند، ارائه راهکار به‌صورت مستمر برای هدایت معلمان در برطرف ساختن ضعف و بهبود سواد خواندن شاگردان از دیگر موارد مؤثر است. همچنین استفاده از دانش آموزان ممتاز پایه پنجم و ششم ابتدایی به‌عنوان معلمِ خواندن، در کلاس‌های پایین‌تر نیز مناسب هست. تلفیق درس فارسی با درس‌های مختلفی چون هنر، علوم و ریاضی نیز مؤثر است.

در دو سه دهه اخیر در کشور ما، هم والدین و هم معلمان توجه ویژه‌ای به بهبود رشد و پرورش کودکان پیداکرده‌اند و اهمیت تعلیم و تربیت در دوران کودکی برای سعادت آتی آدمی بیشتر شناخته‌شده است. این توجه و شناخت به‌صورت هدف‌دار بر محتوا برنامه و روش آموزش‌وپرورش کودکان تأثیر بخشیده است (کاکیا، ۱۳۸۸).

امروزه کسی که نتواند بخواند، تنها از یک مزیت اجتماعی محروم نمی‌شود بلکه خودبه‌خود از جامعه طرد می‌شود. چراکه برخلاف گذشته انسان در لابه‌لای زنجیره‌های ارتباطات آن‌چنان پیچیده شده است که گویی عناصر وجودی‌اش در میان این سلسه‌وار ارتباطات مستحیل گذشته است و زبان گفتار و نوشتار ازجمله کلیدهایی هستند که قفل این زنجیره‌ها را می‌گشایند. آن‌چنان‌که مسئله خواندن در زمان ما و ضرورت فراگیری آن در ابعاد مختلف بیشتر به‌صورت یک ابزار مطرح می‌شود. ابزاری که در کوتاه‌ترین مدت ما را به هدف تعیین‌شده برساند که از رهگذر آن سریع‌ترین و مؤثرین متد تدریس خواندن ضرورت میابد. متدی که وسایل متنوع و متعددی در شکل‌پذیری آن راه می‌یابد (کاکیا، ۱۳۸۸).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بحث و نتیجه گیری

الگوهای خواندن از گوف تا نظریه تعاملی، نشان دهنده تکاملی مهم و درکی بهتر از از فرایند خواندن است. البته نظریاتی که در این جا آمده است هر کدام منتقدانی نیز داشته است. از جمله انتقادات به نظریه گوف یکی آن است که توصیفی در خصوص ترکیب جملات و قضایای متنی ارائه نمی دهد (میچل، ۱۹۸۲). گوف جایگاهی برای فرایندهای مرتبه بالاتر از قبیل کاربرد دانش زمینه در پردازش متن و استنباط در نظر نمی‌گیرد. از این رو مسئله شناخت از موضوع درک به طور کلی جدا شده است (هیل، ۱۹۸۸).

همچنین الگوی گودمن نیز دارای نواقصی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هیل (۱۹۸۸) به ضعف الگو در ارائه فرضیه های قابل آزمایش اشاره می کند. او با اشاره به تنوع قابل توجه شیوه نمونه برداری در مرحله خواندن معتقد است که دلیل قانع کننده ای برای این نظریه که خواندن را عمل پردازش جزئی اطلاعات می داند، وجود ندارد.

الگوی تعاملی روملهارت که فاقد نقایص الگوی وابسته به متن و استنباطی است. هم به فرایندهای وابسته به متن و هم استنباطی توجه دارد و درک را حاصل تعامل این فرایند می داند. با این وجود همانند الگوی استنباطی گودمن، الگوی تعاملی روملهارت نیز از عدم دقت در فرایندهای مرتبه بالاتر برخوردار است و ابعاد داده هایی را که در تشکیل تفسیر یک واقعه در فرایند درک مؤثرند را مشخص نمی کند.

پیشنهادات

با توجه به این که خواندن به طور رسمی از ۶ سالگی و در مدارس ابتدایی آغاز می‌شود باید به نکاتی توجه کرد:

ـ آن که فراگیر بتواند لغات را به درستی تلفظ کند.

ـ تمرین کلمه خوانی در پایه اول(استفاده از کارت نگاره ها) و تمرین آن به طور مداوم.

ـ عینی کردن کلمه و استفاده از کلمات قابل درک برای فراگیران.

ـ پیدا کردن کلمات خوانده شده در متن های طولانی.

ـ گسترش دایره دید از یک لغت به دایره ای از لغات برای بهتر شدن روان خوانی.

ـ حذف صداها (مخصوصا در پایه اول).

ـ آموزش نقطه، ویرگول و. . . . . و رعایت آن توسط فراگیرا در تن و آهنگ صدا

ـ علاقمند کردن فراگیران به مطالعه و کتاب خواندن با خواندن داستان های مناسب سن و درک فراگیر و هدیه دادن کتاب به فراگیرانی که برای کسب مهارت خواندن تلاش می کنند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

ـ سنگری، محمرضا؛ علیزاده و فاطمه صغری (۱۳۸۸). آموزش خواندن. تهران؛ ابوعطا.

ـ کاکیا، لیدا (۱۳۸۸). بررسی تاثیر آموزش قبل از دبستان بر درک مطلب و سرعت خواندن در پایه اول ابتدایی مدارس قم. مدارس، شماره ۷.

ـ مفیدی، فرخنده (۱۳۷۲). شناخت آموزش و پرورش پیش دبستان و اثرات آن در دنیای کودکان امروز. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره جدید، شماره ۱و۲.

ـ سیفلد، کارل و باربور، نیتا (۱۳۷۲). آموزش و پرورش دوران نخستین کودکی، سیف، سوسن. دانشگاه الزهرا.

ـ سیف نراقی، مریم و نادری، عزت الله (۱۳۸۱). اختلالات یادگیری. تهران، مکیال.

ـ قنسولی، بهزاد. (۱۳۷۹). نظریه های خواندن و درک مفاهیم. آموزش زبان، سال اول، ۱.

منابع انگلیسی

__ European commission (EACEA) Education, Audivisual and Culture Executive Agency(2011).

__ GoodmanT K. S (1988). The Reading process In p. L Carrell Devine and D. E Eskey. Interactive Approaches to Second Lnguage Reading. Cambridge: Cambridge university press.

__ Hill, R. A. (1988). The Design of an Item Bank to Test Reading in English as a Foreign Language" Unpublished phD dissertation. Edinburgh: University of Edinburgh.

__ Mitchell, D. C. , (1982). The process of reading: A cognitive analysis of fluent reading andlearning to read. John Wiley & Sons Ltd.

__ Maughan, B. (2009). Persistence of literacy problems: spelling in adolescence and at midlife. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50(10).

__ Rumelhart, D. E (1977). Toward an Interactive Model of Reading. New Jersey: Erlbaum Associaes, Publishers.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]